فصلنامه علمی
پژوهش های انقلاب اسلامی

OPEN ACCESS

معیارهای تفکیک بین اعتراض و اغتشاش در حکومت اسلامی از منظر ثقلین

محمدعلی محمدی [1]

۵۷

دوره ۱۵ ، شماره ۲، پیاپی ۷۵
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳-۱۲-۰۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۰۴-۲۹
صص: ۳۸-۲۱

شاپا چاپی: ۲۳۲۲-۲۵۷۳

چکیده:

وجود حاکم در جامعه ضروری است؛ گاه مردم تصمیم حاکم را بر نمی تابند و اعتراض می‌کنند. اعتراضات یاد شده گاه به نفع جامعه و گاه به ضرر جامعه است، از این رو شناخت معیارهای اعتراض بجا و نابجا، ضروری و بایسته است. مسئله پژوهش فرارو، «تبیین معیارهای تفکیک بین اعتراض و اغتشاش در حکومت اسلامی از منظر ثقلین» است. تحقیق با روش تحلیل محتوا و بر اساس منابع کتابخانه ای و بررسی قرآن و سیره معصومان صورت گرفته و به این نتیجه رسیده است که از منظر قرآن و روایات، آنگاه اعتراض‌ها شایسته و پذیرفتنی است که عوامل چهارگانه «غایت»، «صورت»، «مادّه» و «فاعل» آنها، شرایط خاصی داشته باشند. از حیث غایت، اعتراض باید با هدف اصلاح انجام شده و نتیجه آن تضعیف اسلام و حکومت اسلامی نباشد، از حیث صورت باید مسالمت آمیز، بدون حمل سلاح بوده و بدون پشتیبانی استکبار جهانی باشد. از حیث «مادّه» اعتراض‌ها باید با حفظ حرمت دین، افراد و جامعه باشد. از حیث فاعل، تا زمانی که افراد اقدامی انجام نداده باشند، قابل پیگیری نیستند، اسلام و کفر شهروندان در این باره تفاوتی ندارد، اعتراض افراد فریب خورده و افرادی که توبه کنند، با توجه به مراحلی که دارد، قابل تفکیک است.

واژگان کلیدی:

حکومت اسلامی، اعتراض، اغتشاش، محاربه، براندازی، بغی

۱: گروه علوم قرآنی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ،ایران.(نویسنده مسئول)
m.mohammadi@isca.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله:

کشور آفرینش این نسل از انسان با زندگی جمعی و ایجاد جامعه انسانی همسان و همزاد است. این زندگی جمعی نیز نیازمند نظم است و برقراری نظم در جامعه انسانی، به قانون و مجری آن یعنی «حاکم» نیاز دارد. حضرت علی(ع) فرموده‌اند: برای مردم وجود فرمانروا ضروری است؛ خواه نیکوکار باشد یا بدکار (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

وظیفه و حکم اولی در قبال حکومت‌های طاغوتی و نامشروع، مانند حکومت فرعونی، قیام بر علیه آنها با رهبری رهبران الهی است. اما این بخش از اعتراض‌ها موضوع بحث ما نبوده است. بلکه روش مواجهه با حکومت اسلامی موضوع بحث ماست.

واکنش مردم نسبت به اقدامات حاکمان اسلامی دو گونه است:

مثبت: یعنی پذیرش اقدامات حاکم که موضوع بحث ما نیست.

واکنش منفی و اعتراض: در این صورت، پرسش این است که با چه معیارهایی می‌توان محدوده اعتراض مجاز و غیر مجاز را مشخص کرد؟ این مقاله در پی پاسخ‌گویی به همین مسئله است.

۱. اهمیت و ضرورت

از آنجا که وجود اعتراض در جوامع، طبیعی و گاه نشانه پویایی جامعه است، بیان تفاوت‌های اعتراض بجا و نابجا بسیار ضروری است زیرا باعث آگاهی مردم و حاکمان نسبت به تفاوتهای موجود میان این دو دسته و پیشگیری از جرم می‌شود. همچنین می‌تواند حافظان امنیت را به تفاوت این دو توجیه و برای مواجهه با اغتشاش آماده سازی و آگاهی بخشی کند و ضرورت مجازات اغتشاش گران را تبیین کند و باعث افزایش امنیتِ مالی، جانی، دینی و.... برای جامعه اسلامی مشود.

در بررسی روایات و سیره معصومان بویژه پیامبر (ص) و امام علی(ع) روشن می‌شود آنان اعتراض به کارگزاران حکومت را حق همه مردم می‌دانستند و مردم به راحتی نزد آنان آمده و اعتراض خودشان نسبت به حکومت را بدون کمترین ترسی ابراز می‌کردند برای نمونه پس از پایان غزوه حنین، پیامبر اعظم (ص) در حال تقسیم غنائم جنگی بود که یکی از سربازان نزد آن حضرت آمد و چند بار با پرخاشگری گفت «ای محمد (ص) با عدالت رفتار کن». پیامبر اکرم(ص) هر بار با ملایمت پاسخ او را داد و اجازه نداد اصحاب به ایشان تعدی کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۳۳، ص۳۳۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج۲، ص۲۶۶)

همچنین فرماندار حضرت علی(ع) در همدان از زنی چند کیلو گندم اضافه گرفت، آن زن برای اعتراض به این رفتار به کوفه آمد و وقتی ماجرا را برای امام شرح داد. امام(ع) فرماندار را عزل کرد. (ابن صباغ، ۱۳۷۹، ج۱، ص۶۰۳)

به این مهم در قانون اساسی نیز توجه شده است. اصل ۲۷ قانون اساسی، حق اعتراضات مسالمت آمیز با رعایت دو شرط به رسمیت شناخته است یکی به همراه نداشتن سلاح و دیگری مخل مبانی اسلام نبودن

در قواعد بین‌المللی نیز بر حق اعتراض مسالمت آمیز تأکید شده است.(اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۰)

در مقابل، اغتشاش، براندازی و شورش بر علیه نظام اسلامی ناپسند است، در قانون نیز برای این عده از افراد مجازات منظور شده است. از این رو لازم است با شناسایی تفاوت‌های اعتراض و اغتشاش، راه برای اعتراض‌های قانونی هموار و بر روی اغتشاش‌ها بسته شود.

پیشینه

مقاله یا کتابی که معیارهای تفکیک بین اعتراض مشروع و اغتشاش از منظر قرآن و روایات را بررسی کرده باشد، به نظر نرسید. ولی مقالاتی وجود دارد که اجمالا با این مقاله مرتبط است و می‌توانند پیشینه این بحث را تشکیل دهند؛ از جمله

۱) مقاله « مبانی حقوقی و منشور اخلاقی اعتراضات مدنی» نویسنده: سید کمال الدین محمد رفیعی، (مطالعات راهبردی بسیج پاییز ۱۳۸۸ – شماره ۴۴ **ISC** (۳۸ صفحه – از ۲۱ تا ۵۸) این مقاله تلاش می‌کند تا تعارض مسئولیت دولتها در برقراری نظم و امنیت از یک طرف و آزادی اعتراضات مدنی مردم از سوی دیگر را رفع کند.

۲) مقاله تحلیل؛ ظرفیت‌های فرصت ساز ناآرامی‌ها و اعتراضات، نوشته: شاپوری، مهدی(دیده‌بان امنیت ملی آبان ۱۴۰۱ – شماره ۱۲۷، از ص ۱۲۷ تا ۱۳۴) این مقاله ضمن تأکید بر ناروایی اعتراضات، به ظرفیت هایی اشاره می‌کند که اعتراضات می‌تواند به دنبال داشته باشد.

۳) تاملی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی اعتراضات دی ماه؛(دیده‌بان امنیت ملی بهمن ماه ۱۳۹۶ – شماره ۷۰، از ص ۱۱ تا ۱۶) آقای سعید صادقی جقه در این مقاله زمینه های شکل گیری، پیامدها و راهکارهای مواجهه با اعتراضات مردمی را تبیین کرده است.

۴) مسئولیت ناشی از عملکرد نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات ؛ ؛(مطالعات فقه اقتصادی زمستان ۱۴۰۰، سال سوم – شماره ۵، از ص ۴۶۶ تا ۴۸۳) نویسندگان: اکبری، مجتبی ؛ محمدی، قاسم ؛ و افتخار جهرمی، گودرز. هدف این مقاله بررسی مسولیت های کیفری و مدنی نیروهای امنیتی و انتظامی در اعتراضات است.

۵) واکاوی عوامل ساختاری و نیروهای فرایندی اعتراضات مردمی خیابانی در جمهوری اسلامی ایران . نویسنده: صابر دمیرچی، حسین ؛(بحران پژوهی جهان اسلام پاییز۱۴۰۱ – شماره ۲۶، از ص ۱ تا ۲۴) هدف مقاله این است که منطق ساختاری – فرایندی شکل‌گیری اعتراضات جمعی دوره‌ای در طول چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهد.

مفهوم شناسی

اعتراض

واژه اعتراض در دانش‌های مختلف معانی متفاوتی دارد. آنچه در این مقاله منظور نظر است، اصطلاح سیاسی آن یعنی، مخالفت، رد، عدم قبول، خرده گیری، ایراد و نکته گیری و عیب جویی از دیدگاه‌ها یا عملکرد دیگران (دهخدا،۱۳۷۷، ج۲، ص۱۳۰۳؛ انوری،۱۳۸۱، ج۱،ص۴۶۰) بویژه مسئولان حکومت است.

اعتراض مدنی، اعتراضی است که مبتنی بر مدنیت (نه بدویت) و مسالمت آمیز باشد. مقومات اعتراض عبارتند از: غیرقانونی دانستن یک رفتار، ابلاغ و اعلان، عدم تمکین و تسلیم، آمادگی برای مقابله.

اعتراضات مدنی ممکن است به صورت خودجوش و فوری و یا به صورت سازماندهی شده و تشکیلاتی در واکنش به مسائل و اتفاقات مختلفی بر پا شود و ممکن است موقعیت‌های غیر قلبل پیش بینی برای مقامات حاکمیت فراهم آورند (سازمان امنیت و همکاری اروپا، ۱۳۹۵ ۲.۴۰؛یاقوتی و فتحی، ۱۴۰۰، ص۴۱)

ابراز اعتراض، نمودها و اشکال مختلفی دارد، همانند: راهپیمایی؛ صدور بیانیه؛ تهیه بنر، تولید جزوه، بروشور، کتاب، مقاله ، اعتصاب و.....؛ کارهای نمادین مانند، پوشیدن نمادهای مخالفان، تخریب اموال خودی،مانند آتش زدن گذرنامه و کارت پایان خدمت و... در برخی از موارد یاد شده، اگر اعتراض‌ها از قلمرو شرع و قانون خارج شود، با عناوین مختلف در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده ۱۳۷۵ جرم انگاری شده است (رک: مواد ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۸ ۶۹۰ قانون تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده ۱۳۷۵)

اغتشاش

اغتشاش در لغت به معنای آشوب، انقلاب، بلوا، تنش، شورش، قیام، نهضت، بلبشو، هرج ومرج و... است.(دهخدا،۱۳۷۷، ج۲، ص ۲۹۸۰) ولی معنای آن در اصطلاح سیاسی ایجاد آشفتگی و بی نظمی در مخالفت با حکومت، طغیان مخالفان حکومت (انوری،۱۳۸۱، ج۱، ص۴۷۵) و اقدام همراه با خشونت دسته‌ای از افراد است که در مقابله با نظام حاکم اتفاق می‌افتد. و بی‌نظمی و ناامنی با خود به همراه دارد. اغتشاش یکی از راه‌های براندازی است.

براندازی

براندازی در اصطلاح *علوم سیاسی و روابط بین‌الملل* یعنی: اقدام برای سست کردن بنیان اقتدار یک حکومت با هدف واژگون کردن آن (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ج۶، ذیل واژه) برانداز کسی است که سعی می‌کند از طریق راههای غیر قانونی سلطه سیاسی را از کار انداخته و خود یا حزب مطبوعش به حکومت دست یابد. نیل به سلطه سیاسی یاد شده ممکن است با روشهای مختلف باشد؛ همانند: دعوت مردم به شورش و اغتشاش، همکاری با دولتهای خارجی و دشمنان حکومت، به کارگیری نیروی مسلح (بدوی و همکاران، بیتا، ص۸۱) و یا ساقط کردن غیر قانونی دولت با زور و قدرت نظامی و به وسیلهٔ یک نفر (کاتبی، ۱۳۶۳، ذیل واژه) در براندازی، قهرآمیزی، انقلابی و نابود کنندگی اقدامات انجام شده علیه دولت یا حکومت مستقر (فاروقی، ۱۴۱۰، ص۶۷۰) مورد توجه است.

از آنچه گذشت روشن می‌شود که یکی از روش‌های براندازی، ایجاد اغتشاش است.

بغی

نزدیک ترین واژه به براندازی در منابع اسلامی، واژه«بغی» است. بغی در لغت به معنای، ظلم، فساد، حسد، زنا، کبر و تجاوز از حق و حدّ آمده است. (طریحی،۱۳۷۵ش، ج ۱، ص۵۳؛ زبیدی،۱۳۰۶، ج ۱۰، ص۳۸.) مفسران نیز بغی را به معنای تجاوز، ظلم و فساد و طلب سلطه بر مردم بدون حق معنی کرده‌اند(رک:طبری،۱۴۱۲ق، ج۲۵، ص: ۲۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۸، ص: ۶۵) شماری از لغویان بغی را بر دو گونه پسندیده و ناپسند دانسته‌اند ولی غالبا در مور ناپسند کاربرد دارد.(راغب، ۱۴۱۲ق، ص۱۳۶، زبیدی، ۱۳۰۶، ج ۱۰، ص۳۹) بغی در اصطلاح فقه به‌معنای خروج و شورش گروهی علیه امام عادل و برحق است(علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص۵۲۲.) در بغی، شورش گروهی و با انگیزه براندازی دولت اسلامی، علیه حاکم عادل و دولت او مطرح است (علامه حلی، ۱۳۱۴ق، ۱۱۱). هر چند برخی از فقیهان خروج فردی بر ضدّ امام یا حاکم مشروع را نیز از زمره بغی می‌دانند(مشکینی، ۱۳۹۳، ص۱۰۱) برخی دایره بغی را گسترده تر دانسته و خروج حکومتی اسلامی بر ضدّ

حکومت اسلامی دیگر یا تعدی حکومت اسلامی جور بر ضدّ امت اسلامی یا خروج و جنگ گروهی از مسلمانان با مسلمانان دیگر را نیز مصداقی از بغی شمرده اند.(منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص۲۸۰– ۲۸۱) به آنان که در برابر امام و حکومت اسلامی یا مسلملنان قیام کنند «بُغاة» (باغیان) یا «اهل بغی» می‌گویند(مشکینی،۱۳۹۳ش، ص۱۰۱– ۱۰۲) مهمترین مصادیق «باغیان» برپاکنندگان جنگ‌های دوران حکومت امام علی(ع)، مانند جمل، صفین، و نهروان هستند(شهیدثانی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص۴۰۷؛ زحیلی، ۱۴۰۵ق، ج۶، ص۱۴۲.)

محاربه

محاربه در لغت به معنای جنگیدن است.(دهخدا، ۱۳۷۷، ج۱۳، ص۲۰۳۴۷) غالب فقیهان محاربه را به «اسلحه کشی برای ترساندن مردم» تعریف کرده‌اند.(طوسی، ۱۴۲۸ ق، ج۵، ص۳۸۷؛ شهیدثانی، ۱۴۰۳ ق، ج۹، ص۲۹۰؛ فاضل هندی، ۱۴۲۰ ق، ج۱۰، ص۶۳۴) البته اهل سنت، حکم را مخصوص «قطاع الطریق» دانسته‌اند؛(رک: ابن مودود موصلی، ۱۳۵۶ ق، ج۴، ص۱۱۴؛ شوکانی، ۱۴۱۳ق، ج۷، ص۱۸۵)

روش شناسی تفکیک معیارها

معیارهای تفکیک بین اعتراض شایسته و ناشایسته را می‌توان با لحاظ‌های مختلفی تبیین کرد. برای نمونه می‌توان آن را به لحاظ نتیجه و غایت تقسیم کرد؛ یعنی: اعتراض هایی که نتیجه آن تضعیف حکومت اسلامی و ضربه به آن است، ناشایسته و آنچه نتیجه آن تقویت نظام است، پسندیده است. چنانکه می‌توان معیار تفکیک را روش بیان قرار داد و گفت: اگر روش بیانِ اعتراض مسالمت آمیز و با زبان زیبا باشد، پسندیده و اگر همراه بدزبانی و خشونت طلبی باشد، ناشایسته است. بر اساس معیاری دیگر، تفکیک بین اعتراض شایسته و ناشایسته می‌تواند بر اساس موضوعات باشد یعنی اعتراض به اصل اسلام و قوانین اسلامی و مواردی از این قبیل ناشایسته و اعتراض به روش‌های حاکمان در اجرای قوانین، مسائل مربوط به معیشت مردم، ناکارآمدی مسئولان و مواردی از این قبیل شایسته است. یکی دیگر از معیارها برای تفکیک اعتراض شایسته و ناشایسته، عقل، نقل و علم است. بر اساس این معیار، اعتراض هایی که عقل سلیم آن را بپذیرد، شایسته و اعتراض‌های عقل ستیز و یا عقل گریز ناشایسته است. چنانکه اعتراض هایی که علومی همانند علم حقوق، جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی و.... آن را بپذیرد، شایسته است. در موضوع نقل نیز اعتراض هایی که مصادیق آن در پیشینه آیات و روایات وجود دارد و مورد تأیید معصومان قرآر گرفته پسندیده است. به نظر می‌رسد بهترین معیار برای تفکیک اعتراض و اغتشاش که نسبت به دیگر روش‌های از جامعیت و مانعیت بهتری برخوردار است، تقسیم بر اساس علت و به روش ارسطویی است. بر این اساس، علت‌های وقوع هر پدیده یا تغییر و تحول در طبیعت از چهار قسمِ علت فاعلی، غائی، مادی و صوری خارج نیست(ارسطو،۱۳۸۵، ص۱۲۹–۱۳۰) از آن جا که اعتراض‌ها و اغتشاش‌ها نیز از پدیده‌های اجتماعی هستند، می‌توان علل چهارگانه را در هر کدام تشریح کرده و تفاوت آن دو را بازشناخت و از یکدیگر تفکیک کرد.

تفکیک غائی

غایت یعنی نهایت، سـرانجام، پایان کار و فرجام یک عمل. (دهخدا،۱۳۷۷، ج۱۱، ص۱۶۵۷۶) علت غایی، فرجام انجام یک فعل و ایجاد یک پدیده را باز می‌نمایاند. واژه غایت در منطق و فلسـفه معمولا بمعنای منتهی الیه حرکت بکار میرود و نسـبت بین غایت وهدف، عموم و خصـوص من وجه اسـت زیرا از یک سـوی در حرکات طبیعی نمیتوان هدفی را برای فاعل طبیعی آنها در نظر گرفت ولی مفهوم غایت بر منتهی الیه آن صادق است و از سوی دیگر در کارهای ایجادی که حرکتی در کار نیست هدف و علت غائی صدق میکند اما غایت بمعنای منتهی الیه حرکت جا ندارد(مصباح یزدی، ۱۳۶۶، ص۴۲۸)

غایت و هدف در برخی مصادیق افعال ارادی نیزهمپوشانی و اشتراک دارند، لکن هر یک دارای مصادیقی است که به خود آن اختصـاص دارد. برای نمونه ممکن اسـت هدف کسـی از ورزش کردن سـلامتی بدن باشـد که یکی از غایات و نتایج ورزش نیز همین اسـت. ولی ممکن اسـت کسـی به خاطر شـرایط کاری، اعمال ورزشـی انجام دهد و هدف او کسـب درآمد باشـد نه سـلامتی بدن. چنانکه ممکن است کسی برای رسیدن به هدفی کاری را شروع کند ولی غایت فعل، آنچه او می‌خواسته نشود. حضور در اعتراض‌ها نیز همین گونه است. گاه کسی با هدف تضعیف حکومت اسلامی در حرکتی شرکت کند و نتیجه آن هم تضعیف نظام اسلامی باشد. که هدف و نتیجه یکی است. در مواردی نیز ممکن است کسی با هدف تضعیف حکومت اسلامی حرکتی انجام دهد ولی حرکت او با شکست مواجه شود. چنانکه ممکن است شخصی بدون این که قصد تضعیف حکومت اسلامی را داشته باشد، اقدامی انجام دهد ولی نتیجه اقدام او تضعیف نظام اسلامی باشد. پس با توجه به نتیجه و هدف، می‌توان اعتراض‌هارا تقسیم بندی کرد که توضیح آن در ادامه می‌آید:

نتیجه

بر اساس این تقسیم یک حرکت اعتراضی مانند: شرکت در راه‌پیمایی، نگارش مقاله و... با توجه به نتیجه‌ای که در پی دارد، قابل تفکیک به اعتراض شایسته و اغتشاش ناشایسته است. مثلا راه‌پیمایی که به تضعیف نظام اسلامی بیانجامد، ناشایسته و راه‌پیمایی که سرانجام و غایت آن تقویت نظام اسلامی باشد، شایسته است.

در منابع دینی نیز به فرجام و غایت افعال توجه فراوانی شـده اسـت.(رک: بقره،۱۸۹؛ آل عمران، ۱۳۰ و۲۰۰) و... همچنین ثواب هایی که قرآن برای عمل به خوبی‌ها معرفی می‌کند نیز توجه به نتیجه و غایت افعال است. (رک: عنکبوت، ۷) در بررسی سیره معصومان نیز روشن می‌شود، معصومان با فعالیت هایی که به تضعیف نظام اسلامی منجر می‌شد، مقابله می‌کردند. یکی از حکمت‌های مواجهه با بغات نیز همین امر است. بغات به ظاهر مسلمان هستند و در کشور اسلامی به سر می‌برند و جنگ علیه مسـلمانان امری ناروا و حرام اسـت، اما از آن رو که باغیان با خروج و شـورش مسـلحانه ی خود علیه دولت اسـلامی، از درون، جامعه را با نوعی تهدید و مشـکلات داخلی، مانند اختلال در نظم دچار می‌سـازند، شـریعت اسـلام برای فرو نشـاندن شـرارت آنان، جهاد و مبارزه علیه آنان را در دستورکار قرار داده است؛ مقابله امام علی(ع) با طلحه و زبیر نیز در همین راستا قابل تحلیل اسـت. پس از بیعت مردم با امیرمؤمنان (ع)، طلحه و زبیر به بهانه زیارت بیت الله از مدینه خارج شـدند. حضـرت علی(ع) که از قصد آنان آگاه بود، قبل از رفتنشان به مکه ـــ به صرف اتهام این که در آینده قصد مخالفت دارند ـــ آنان را دستگیر و زندانی

نکرد و یا از حرکتشـان به سـوی مکه ممانعت ننمود. بلکه با نوشـتن نامه با آنان به گفت وگو نشـسـت و بیعت آنان را با خود یادآوری کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۶ ق، ص۳۱۳-۳۱۴.) و کوشید که غائله از راه مسالمت آمیز پایان یابد ولی وقتی آنان به اقداماتی دست زدند که نتیجه آن تضعیف حکومت اسلامی بود؛ در نتیجه آن حضرت با آنان به مقابله پرداخت. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: عهد شـکنان به جهت نارضـایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسـتند، و من تا آنجا که برای(اتحاد جامعه اسـلامی و) وحدت اجتماعی شـما احسـاس خطر نکنم صـبر خواهم کرد، زیرا آنان اگر برای اجرای مقاصـدشـان فرصـت پیدا کنند، نظام جامعه اسلامی متزلزل میشود. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹)

پس تا زمانی که غایت و نتیجه اقدام ناکثین (طلحه و زبیر) ضـربه به کیان جامعه اسـلامی نبود، امام با آنان مدارا کرد. بدین ترتیب حضرت مرز مدارا با مخالفان و حتی شورشیان را تا مرحله ای می دانند که اقدامات آنان سبب مفسده و گسیختگی نظام جامعه اسـلامی نگردد. و هنگامی که اقدامات آنان، کیان نظام اسـلامی را در معرض خطر قرار دهد باید با آنان مواجهه صـورت گیرد چنانکه پس از اقدامات نابخردانه این دو تن، بعضـی به امیرمؤمنان پیشـنهاد کردند با آنان وارد نبرد نشـود. امام (ع) تأکید کرد که اجازه نمی‌دهد در کمین دشمنان افتد و تصریح کرد: با شـمشیر برنده هواداران حق، بر کسانی که به حق پشت کرده‌اند می کوبم و با دسـتیاری فرمانبرداران مطیع، با عاصـیان اهل تردید می جنگم؛ و این روش همیشـگی من اسـت(نهج البلاغه، خطبه۶) سـخن قاطعانه ی حضـرت امام خمینی (ره) می‌تواند تفسـیری بر این سـیره علوی باشـد که: «این مسـاله که نظام در اهداف خود جدی است و با هیچ کس شوخی ندارد و در صورت به خطر افتادن ارزش‌های اسلامی با هر کس در هر موقعیت قاطعانه برخورد می‌نماید باید به عنوان یک اصـل خدشـه ناپذیر برای تمامی دسـت اندرکاران و مردم تبلیغ گردد.»(امام خمینی، ۱۳۸۹ ش، ج۲۱، ص: ۳۴۰)

از نگاه بنیان گذار جمهوری اسـلامی، هر رفتار اعتراضـی که به تضـعیف نظام منجر شـود، ناپسـند اسـت و باید با آن مقابله شـود: (همو، ۱۳۸۹ ش، ج۲۰، ص: ۱۲۸) البته مقابله یاد شـده مراحلی دارد که باید رعایت شـود.(همو، ۱۳۸۹ ش ج۲۰، ص: ۱۲۹)در قانون نیز برای اقداماتی که به تضعیف حکومت اسلامی منجر شود، مجازات در نظر گرفته شده است. برابر ماده ۵۰۰ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس محکوم خواهد شد. اطلاق قانون یاد شده شامل همه مواردی است که فعالیت تبلیغی علیه نظام انجام شده باشد، حتی اگر مجرمی ادعا کند که هدف او از تبلیغ یاد شده تضعیف نظام نیست، باز هم فعل و رفتار او مجرمانه و همانند سایر جرائمی است که انجام دهنده آن ادعا می‌کند بدون قصد آن را مرتکب شده است.

هدف

هدف در لغت بمعنای نشانه تیر، غرض، مقصود (عمید، ۱۳۸۹، ص۱۰۶۱ و معین، ۱۳۸۱،ج۲، ص۲۰۸۹) و حقیقت مطلوبی است که برای رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌شود» (انوری،۱۳۸۱، ج۸، ص۸۳)

هدف در محاورات عرفی، به نتیجه کار اختیاری گفته میشود که فاعل مختار از آغاز در نظر میگیرد و کار را برای رسیدن به آن انجام میدهد. نتیجه کار، از آن جهت که منتهی الیه آن اسـت غایت و از آن جهت که از آغاز مورد نظر و قصـد فاعل بوده

است هدف و غرض است. (مصباح یزدی، ۱۳۶۶ش، ص۴۲۸) توجه به هدف نیز می‌تواند از معیارهای تفکیک بین اعتراض و اغتشاش باشد؛ برای نمونه اگر منظور و هدف کسی که اعتراض می‌کند، بر هم زدن امنیت کشور، تضعیف نظام اسلامی، هموار کردن راه نفوذ بیگانگان و مواردی از این قبیل باشد، رفتار آنان به عنوان اغتشاش و گاه محاربه تلقی شده و قابل مجازات است. ولی اگر هدف آنان، نصیحت، اصلاح امور، کمک به حکومت اسلامی و مواردی از این قبیل باشد، رفتار آنها از حیث هدفی که دارند پسندیده و قابل ستایش است.

در منابع دینی نیز بر هدف و نیت تأکید فراوانی شده است. از منظر اسلام ارزش هر عملی به هدف فاعل آن است قرآن می‌فرماید: در آن روز(قیامت) مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید! (شعراء، ۸۸-۸۹) امام صادق (ع) در روایتی قلب سلیم در آیه شریفه را به نیت صادقه و نیت خالص برای خدا معنی کرده است. (مجلسی،۱۴۰۴ق،ج۶۷، ص: ۲۱۰) ساخت مساجد «ضرار» و «قبا» شاهد نیکویی برای نگاه متفاوت قرآن به یک عمل به خاطر تفاوت اهداف است. ساخت مسجد کاری شایسته و نیکوست؛ اما خداوند در مورد مسجد ضرار با توجه به نیت پلید منافقین، به مذمت آن می‌پردازد، در حالی که مسجد قبا را که بر اساس پاکی و تقوا بنا شده است تمجید می‌کند.(توبه، ۱۱۰-۱۰۷) با بررسی آیاتی که درباره مسجد ضرار است روشن می‌شود که آنان به نام ساخت مسجد و به اسم دین، اهداف ناصوابی را تعقیب می‌کردند و به همین دلیل با آنها مقابله شد (مکارم شیرازی و دیگران،۱۳۷۴، ج۸، ص۱۳۷)

در روایات نیز به اهمیت نیت و هدف اشاره شده است. پیامبر اعظم(ص) فرمود: به درستی که کارهای انسان به نیتّها وابسته است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۶۷، ص۲۱۱) این حدیث در مجامع حدیثی زیادی وارد شده است(رک: مجلسی، همان؛ مصباح الشریعه(منسوب به امام صادق(ع)،۱۳۷۷ ، ص۴۳، طوسی،۱۴۱۴ق، ص۶۱۸)برابر نقل شیخ طوسی رسول خدا (ص) حضرت علی (ع) را به فرماندهی یکی از سریه‌ها برگزیدند و به مسلمانان دستور دادند با امام علی (ع) در این جهاد شرکت کنند. فردی دیگران را برای دست یابی به غنیمت به جهاد تشویق می‌کرد. وقتی سخن او به گوش پیامبر رسید، آن حضرت حدیث فوق را فرمود. همانگونه که در روایت و شأن نزول آن آمده است، حتی جهاد در رکاب امیرالمؤمنین (ع) نیز اگر با قصد رضایت الهی نباشد، پسندیده نیست. در روایت دیگری از امام صادق(ع) به نقل از پیامبر اعظم(ص) می‌خوانیم: نیت مؤمن بهتر از عمل اوست و نیت کافر بدتر از عملش باشد و هر کس طبق نیتش کار میکند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج۲، ص: ۸۵)

بر این اساس ممکن است دو نفر یک عمل مشخص را انجام دهند ولی یکی مجرم و دیگری شایسته مدح باشد و این تفاوت بر اساس نیت و هدف آنها حاصل می‌شود.

با توجه به اهمیت هدف، در قوانین جمهوری اسلامی نیز بر قصد و هدف، آثاری مترتب شده است. برابر ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.(نیز رک: ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی ۱۳۹۹٫۱۰٫۲۴، ماده۶۱۰ و۶۱۱ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵)

از آیات قرآن کریم نیز استفاده می شود در، یک فعل به خاطر هدف فاعل می تواند مصداق جرم یا بالعکس باشد. برای نمونه خداوند متعال در سه آیه رفتارهایی که در حال عادی جرم است را در حالت اضطرار تجویز کرده است: «انَّما حَرَّمَ عَلَیکُمُ المَیتَةَ والدَّمَ و لَحمَ الخنزِیرِ و ما اهِلَّ بِهِ لِغَیرِ اللَّهِ فَمَنِ اضطُرَّ غَیرَ باغٍ ولا عادٍ فَلَا اثمَ عَلَیهِ انَّ اللَّهَ غَفورٌ رَحیم». (بقره، ۱۷۳ و نیز انعام، ۱۴۵؛ نحل، ۱۱۵) یکی از معانی باغی بنابر احادیث اهل بیت علیهم السلام و رأی برخی مفسران متقدم مانند مجاهد و سعید بن جبیر افرادی هستند که در برابر امام و حاکم اسلامی طغیان کنند. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر«فَمَنِ اضْطُرَّ غَیْرَ باغٍ وَ لا عادٍ» فرمود: باغی و برانداز کسی است که بر امام خروج می‌کند و ستمگر راهزنی است که راه را می‌بندد و مردم را چپاول می‌کند.(عروسی حویزی،۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۵)

مفسران با توجه به ظاهر آیه تصریح کرده اند که براندازان حتی در صورت اضطرار نیز حق استفاده از محرمات یاد شده در آیه را ندارند.(عروسی حویزی،۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۵؛ طبرسی،۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۶۷) این موضوع همانند روزه و نماز مسافر است؛ روزه و نماز مسافر شکسته است ولی کسی که با قصد و برای معصیت سفر می کند ، باید روزه خود را بگیرد و نمازخود را هم کامل بخواند.

تفکیک صوری

یکی دیگر از معیارهای تفکیک بین اعتراض و اغتشاش، توجه به صورت آن دو است.

منظور از صورت، شکل و فرم است، صورت اعتراض یعنی شکل ابراز آن. تفکیک بر اساس صورتهای ابراز نارضایتی به اشکال زیر می‌تواند صورت گیرد:

خشونت و مسالمت

اگر انتقاد و دیگر شکل‌های ابراز ناراحتی از حکومت، به شکل مسالمت آمیز باشد، از این حیث، در زمره اعتراض جای گرفته و جرم محسوب نمی‌شود ولی اگر صورت اغتشاش و خشونت به خود بگیرد، جرم انگاری شده و اغتشاش محسوب می‌شود.

این معیار از سیره معصومان نیز قابل استفاده و استخراج است. برای نمونه : حضرت علی(ع) پس از آگاهی از شورش ناکثین، برای مقابله با آنان، به سرعت حرکت کرد تا به ربذه رسید. در این هنگام، «رفاعهٔ بن رافع» به پا خاست و گفت: «ای امیرمؤمنان(ع) بر چه کاری تصمیم گرفته ای؟ و ما را کجا خواهی برد؟حضرت فرمود: آنچه نیت کرده ام و تصمیم بر انجامش دارم، اصلاح است اگر از ما بپذیرند و به آن پاسخ مثبت دهند. رفاعه گفت: اگر نپذیرفتند، چه؟ فرمود: آنان را فرا می‌خوانیم و از حق به‌اندازه‌ای به آنان می‌بخشیم که امید داریم راضی شوند. رفاعه گفت: اگر راضی نشدند؟ علی(ع) فرمود: تا وقتی که آنان ما را به خود واگذارند، آنها را به حال خود واگذار می‌کنیم. رفاعه گفت: اگر ما را به خود واگذار نکنند؟ علی(ع) فرمود: در مقابل آنان از خود دفاع می‌کنیم. رفاعه گفت: نیکو تصمیمی است! (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج۳، ص۲۲۴.)

وقتی شورشیان، به بصره هجوم بردند، ابتدا با عثمان بن حنیف فرماندار شهر که از طرف امام علی(ع) انتخاب شده بود، توافق کردند که تا زمان رسیدن حضرت علی (ع) از تعرض به بیت المال خودداری کنند ولی آنان پیمان شکسته و پس از

حمله به دارالاماره، بیت المال را غارت و عثمان را دستگیر و شکنجه کردند. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص۲۲۹) امام علی(ع) پس از رسیدن به بصره و پیش از آغاز جنگ، یک بار دیگر اصحاب جمل را به پرهیز از خشونت فراخواند ولی آنها مخالفت کرده و فرستاده حضرت علی(ع) را شهید کردند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج۲، ص۳۶) پس از این رخدادها امام علی(ع) جنگ را روا دانست.(طبری، **[بی تا]**، ج۴، ص۵۰۹.)

این رفتار امام علی(ع) به خوبی نشان می‌دهد که روش آن حضرت در برخورد با مخالفان این بود که تا وقتی آنان در مقابل حکومت، دست به خشونت نزنند، دست به اسلحه نشود. خشونت نیز مصادیق فراوانی دارد که بستن راه ها، آتش زدن منازل و ادارات، ضرب و شتم مأموران و دیگر افراد همگی از مصادیق خشونت هستند.

در قوانین جزایی جمهوری اسلامی نیز بر پرهیز از اقدامات خشونت آمیز و تنش زا در جامعه اسلامی تأکید و برای آن مجازات منظور شده است برای نمونه هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می شود.(ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵).

در قواعد بین‌المللی نیز بر حق اعتراض مسالمت آمیز تأکید شده است. برای نمونه ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی شرکت در تجمعات را به رسمیت شناخته و هر کس حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع، و انجمن‌های مسالمت آمیز بهره‌مند شود. (سازمان امنیت و همکاری اروپا، ۱۳۹۵ ۲.۴۱)

اسلحه کشی

یکی دیگر از معیارهای اغتشاش، اسلحه کشی افراد معترض است. در این صورت حتی اگر هیچ خشونت ظاهری هم بروز نداده باشند، صرف اعتراض به همراه «اسلحه کشی» یا «شهر سلاح»، جرم بوده و مجازات به دنبال دارد. اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان جزو مترقی ترین اصول این قانون دانست که در آن حق اعتراضات مسالمت آمیز با رعایت دو شرط به رسمیت شناخته است: به همراه نداشتن سلاح و مخل مبانی اسلام نبودن. همچنین در تبصره دوم ماده ششم قانون فعالیت احزاب جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، مصوب ۷ شهریور چنین آمده است: برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است. هر نوع اسلحه کشی در برابر حکومت اسلامی، جرم است ولی نوع مجازات آن با توجه به کم و کیف آن متفاوت است و حاکم اسلامی با توجه به مصلحت جامعه نوع آن را مشخص می‌کند.(امام خمینی، ۱۳۹۹ ش، ج۲، ص۵۲۶)

در کتاب دوم «مجازات اسلامی»، فصل نهم «حدود»، ماده ۲۸۷ به تفصیل بیشتری در این باره اشاره شده است: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند». مبنای حکم یاد شده، آیات و روایات است. در آیه ۳۳ سوره مائده، حکم محارب بیان

شده است. در روایات نیز مجازات «اسلحه کشی برای ترساندن مردم» آمده است (رک: حر عاملی،۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص۳۱۴) برای نمونه در روایتی به نقل از امام باقر(ع) می‌خوانیم: کسی که در یکی از شهرها اسلحه کشی کند و دیگران را مجروح کند، قصاص شده و نفی بلد می‌شود و کسی که اسلحه کشی کند، بزند، مجروح کند، اموال بستاند و کسی را هم نکشد، او محارب است و مجازات محارب را دارد و امام (حاکم شرع) در باره نوع مجازات او تصمیم گیری می‌کند. اگر صلاح بداند او را اعدام کرده و...(همان، ص۳۰۸) در بررسی سیره علوی هم مشخص می‌شود آن حضرت تا زمانی که خوارج دست به اسلحه نبردند با آنان مدارا کرد.(رک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج۲، ص۳۱۱)

سازمان یافتگی

سازمان یافتگی، یکی از مقومات اغتشاش است. فقیهان نیز هنگام بحث در باره بغی از این شرط سخن گفته‌اند. در برخی از منابع دینی باغیان را به دو دسته «ذی فئه» و غیر دی فئه» تقسیم شده‌اند. گروه نخست گروهی سازمان یافته‌اند که از تشکیلات درون سازمانی و نیروی ذخیره در پشت جبهه و رهبر برخوردارند. گروه دوم آن دسته یاغیانی هستند که فاقد نیروی سازمان یافته، نیروی ذخیره و فاقد رهبر می‌باشند (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص۴۰۷؛ شکوری، ۱۳۷۲، ج۱، ص۲۳۰؛ وجدانی فخر، ۱۴۳۱ق، ج۵، ص۸۵). یکی از تفاوت هایی که میان دو گروه یاد شده وجود دارد این است که در گروه نخست (ذی فئه) فراریان مورد تعقیب قرار می‌گیرند. برخلاف گروه دوم (غیر ذی فئه) که نه مجروحان کشته می‌شوند و نه فراریان تعقیب می‌شوند؛ بلکه تنها تا حد به هم زدن انسجام و پراکندگی بغات، جنگ با آنها ادامه می‌یابد. (همانها، همانجاها) برابر روایات سیره حضرت علی(ع) نیز بر همین منوال بوده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۵، ص۷۳)

با آیه ۱۲ سوره توبه می توان به سازمان یافتگی استدلال کرد. خداوند در این آیه می‌فرماید:«و ان نَکَثوا ایمانَهُم مِن بَعدِ عَهدِهِم و طَعَنوا فی دینِکُم فَقاتِلوا ائمَّةَ الکُفرِ انَّهُم لا ایمانَ لَهُم لَعَلَّهُم یَنتَهون» «ائمَّةَ الکُفر» که در آیه آمده نیز بر سازمان یافتگی دلالت دارد زیرا ائمه کفر پیروانی دارند و بدون پیروان نمی توان آنان را ائمه کفر دانست. در روایات اسلامی، این آیه نیز از آیاتی است که با آن برای مقابله با باغیان و براندازانِ سازمان یافته استدلال شده است. بنابر روایتی، امام علی علیه‌السلام جنگ خود با ناکثین را بر پایه این آیه دانست و هنگام نبرد با آنان فرمود که با مصادیق این آیه تاکنون جنگی واقع نشده است(مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۹، ص ۴۲۹) امام صادق علیه‌السلام نیز در حدیثی طلحه و زبیر را مصداق این آیه و از پیشوایان کفر برشمرده است(حمیری،۱۴۱۳ ق، ص ۹۶) هر چند برخی از فقها جرم بغی را با شورش فرد نیز قابل تحقق می‌دانند.(همان، ج۱۵، ص۸۴) و در تاریخ نیز به جریان ترور امام علی (ع) توسط ابن ملجم استدلال کرده‌اند(همان) اما بسیاری از فقهای شیعه و سنی گروهی بودن شورش را یکی از شرایط و عناصر دخیل در تحقق جرم بغی می‌دانند (طوسی، ۱۳۸۷ ه، ج۷، ص۲۶۷؛ ابن ادریس حلی، بی تا، ج۲، ص۱۵) حتی اگر در بغی، سازمان یافتگی را شرط ندانیم در براندازی و اغتشاش باید به این شرط توجه کافی شود در قانون نیز به شرط یاد شده توجه و جرم انگاری شده است. در ماده ۴۹۸ از قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ که به جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور می‌پردازد، می‌خوانیم: هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره

نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود. برابر ماده ۴۹۹ همین قانون: هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیتهای مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است. همچنین در کتاب دوم «مجازات اسلامی»، فصل نهم «حدود»، ماده ۲۸۷ نیز به سازمان یافتگی یا گروهی بودن اغتشاش گران اشاره شده است. شرط یاد شده بدان معنی نیست که اگر فردی به تنهایی بر علیه حکومت اسلامی اقدامی کند، مجرم نیست بلکه چنین فردی در زمره اغتشاش گران محسوب نمی‌شود؛ هر چند به عناوین مجرمانه دیگری مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

تفکیک مادی

یکی دیگر از معیارهای تفکیک بین اعتراض و اغتشاش، توجه به موادّ ومحتوای سخنان معترضان و دیگر رفتارهای اعتراضی آنان است. یعنی هر چند اصل مخالفت با حکومت در اسلام پذیرفته شده است؛ ولی همانگونه که مخالفت نباید با شکل و صورت نادرست باشد، نباید با محتوای ناسالم و غیر شرعی ابراز شود. به دیگر سخن، ممکن است صورت اعتراض و اغتشاش هر دو راهپیمایی باشد ولی اگر ماده راهپیمایی، حرمت شکنی، توهین به مقدسات، فحاشی و...باشد رفتار یاد شده در زمره اغتشاشات دسته بندی می‌شود. پس با توجه به مواد تشکیل دهنده یک حرکت اعتراضی می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد.

حفظ و هتک حرمت

در اسلام حفظ حرمت افراد و دین لازم و هتک حرمت آنان نکوهیده و در موارد زیادی جرم انگاری شده و در مواردی موجب حدّ شرعی است. فقهای اسلامی امور متعددی را از موجبات ارتداد برشمرده اند که هتک حرمت دین را در پی دارد؛ از جمله: سبّ و تمسخر خداوند، انبیای الهی، امامان، ملائکه یا ضروریات دین، هتک حرمت قرآن، تکذیب قرآن، طعن زدن در دین و ... (رک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص۱۴۳- ۱۴۴؛ ادربیلی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳، ص۳۱۳؛ نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص۶۰۰- ۶۰۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۵، ص۲۳؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۱۰، ص۷۴- ۷۵)

مستند فقیهان مسلمان برای احکام یاد شده دلایل شرعی همانند آیات و روایات است. برای نمونه، تمسخر خداوند، پیامبر، قرآن، دین و ضروریات آن از مواردی است که در قرآن به آن اشاره و جرم انگاری شده است. خداوند می‌فرماید: منافقان بیم دارند که مبادا سوره‌ای درباره آنان نازل شود که ایشان را از آن چه در دل‌هایشان هست خبر دهد. بگو: استهزا کنید. بی شک خدا آن چه را که از آن می ترسیدید آشکار خواهد کرد و اگر از ایشان بپرسی چرا این سخنان را گفتید؟ مسلماً خواهند گفت: ما فقط بازی و شوخی می‌کردیم. بگو: آیا خدا، آیات او و پیامبرش را استهزا می‌کنید؟ عذر نیاورید. شما بعد از ایمانتان کافر شده اید. اگر از گروهی از شما درگذریم گروهی دیگر را عذاب خواهیم کرد، چرا که آنان تبهکار بودند. (توبه، آیات ۶۴- ۶۶)

این آیات درباره گروهی از منافقان نازل شده که در غزوه تبوک پیامبر(ص) را مسخره می کردند. (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ج ۱۰، ص۲۲۰- ۲۲۱ و طبرسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۵، ص۷۱) و در پی این امر بود که آیات بالا نازل شد و منافقان را برای این عملشان خارج از اسلام و کافر شمرد.(صادقی فدکی، ۱۳۸۸ش، ص: ۵۲)

پس کسی نمی‌تواند به بهانه اعتراض به حکومت یا هر بهانه دیگری، هر چند به صورت مسالمت آمیز، جرم‌های یاد شده را مرتکب شود. برای نمونه اگر عده‌ای هر چند اندک، پلاکاردهایی در دست بگیرند که در آن به قرآن، اسلام، خداوند متعال، معصومان و.... توهین شده باشد، رفتار آنان در زمره اغتشاش‌ها طبقه بندی شده و با آن برخورد خواهد شد. موارد یاد شده، از حیث قانونی نیز جرم بوده و مجازات دارد. به مجازات «ساب النبی» در ماده ۶۰۲ قانون مجازات اسلامی اشاره شده است. همچنین برابر ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس محکوم خواهد شد. مفهوم توهین نیز در قانون مشخص شده است.

تفکیک فاعلی

چهارمین دسته از معیارهای تفکیک اعتراض از اغتشاش ناپسند را می‌تواند در انجام دهنده اعتراض‌ها و اغتشاش‌ها یا فاعل این افعال جستجو کرد. به این عامل، علت فاعلی گفته می‌شود که در ادامه مصادیقی از آن را مرور می‌کنیم.

فکر و فعل

بدون شک، صرف تصمیم و عزم بر انجام فعل ناشایسته، ناشایسته بوده و بر خبث طینت فاعل و تصمیم گیرنده آن رفتار دلالت دارد. ولی تا وقتی که ظهور و بروزی در خارج نداشته باشد، امکان مواجهه با آن وجود ندارد. برای توضیح بیشتربحث می‌توان از موضوع ارتداد استفاده کرد. قرآن کریم از ارتداد و مجازات آن سخن گفته است: یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَی الْمُؤْمِنینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الْکافِرینَ یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلیمٌ (مائده،۵۴) با توجه به روایاتی که در تفسیرآیه آمده، براندازانی که در مقابل حکومت اسلامی ایستاده و آشوبگری کنند نیز از مصادیق مرتدان هستند. در روایتی حضرت علی علیه‌السلام باغیان اهل بصره را مصداق «من یرتَدَّ منکم» در آیه مذکور برشمرده است.(طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۳۲۲) آن حضرت بعد از جنگ جمل فرمود: به خدا سوگند! جنگی با اهل این آیه انجام نشد مگر امروز، و آیه مذکور را قرائت فرمود. (راوندی،۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۰) البته اگر مسلمانی از دین بازگشته و مرتدّ شود، صرف تغییر عقیده، تا زمانی که با عملکردی همراه نشود، قابل مجازات نیست. عملکرد نیز مراحلی دارد، اولین مرحله عملکرد، ابلاغ و اعلان است. پس مجازات مرتدّ، به خاطر رفتار مجرمانه اوست؛ نه تفکر و باورهای او (رک: صادقی فدکی،۱۳۸۸ش، ص: ۶۶)در سیره معصومان نیز این مطلب به خوبی مشاهده می شود که تا زمانی که مخالفان و معاندان اقدام عملی انجام نداده بودند، با آنان وارد مبارزه نمی شد (رک: بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص۲۲۹؛ طبری،**[بی تا]**،ج۴، ص۵۰۹.) در موضوعی بغی نیز از نگاه فقیهان، تا مخالفان یا معارضان حکومت، با رفتار مجرمانه خودشان، کیان جامعه اسلامی را به خطر نیلنداخته‌لند، نمی‌توان با آنان جنگید: کاشف الغطا در این باره می‌نویسد: کسی که در ضمیر و در درون خود بغی را نگه داشته و اظهار نمیکند و یا اظهار میکند، اما اظهارش فقط جنبه قولی دارد، نباید مورد تعرض قرار گیرد.(کاشف الغطاء، ۱۳۸۰، ج۴، ص۳۶۷).

اسلام و کفر

یکی از مباحث مهمی که فقیهان و حقوقدانان در موضـوع جرم بغی بدان پرداخته‌اند، توجه به اسـلام و کفر مخالفان حکومت اسلامی است.یکی از شرایط تحقق بغی، مسلمان بودن شورشیان است. شورش گرانِ غیر مسلمان در حکم کفار حربی هستند و احکام خاص محاربه علیه آنان اجرا خواهد شـد (جمیلی، ۱۹۷۹م، ج۱، ص۱۰۰). پیش از این گفتیم که اغتشـاش با بغی تفاوت دارد. از این رو ممکن است، غیر هم کیشانِ هموطن نیز در کنار هموطنان مسلمان دست به اغتشاش بزنند و آنان را نمی‌توان از زمره کفار حربی دانسـت. پس اگر دو گروه از ایرانیان در یک آشـوب شـرکت کردند که یک دسـته مسـلمان و دیگری زرتشـتی بودند، به صـرف تفاوت دینی نمی‌توان یک دسـته را کافر حربی دانسـت. قانون اسـاسـی نیز در بخش اعظم اصـول مربوط به حقوق افراد و آزادی‌ها از فرد بدون تمایز خاص سـخن گفته‌اند از این رو محمول آن همه افراد و آحاد ملت و از جمله اقلیت‌های دینی بوده اسـت. اما دسـت کم در اصـول ۱۹ و ۲۹ به صـراحت از این برابری یاد می‌شـود در اصـل نوزدهم آمده است:«مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» در این میان ممکن است بین هموطنان ایرانی و غیر ایرانی تفاوت قائل شویم. که ربطی به اسلام و کفر آنان ندارد و حاکم شرع با توجه به قرائن حالیه و مقالیه در انشاء حکم بدان توجه دارد.

جهد و جهل

در غالب آشـوب‌ها، بسیاری از افراد آلت دسـت دیگران شـده و با موج‌های فتنه همراه می‌شـوند؛ در حالی که عده‌ای دیگر سـوار بر موج شـده و سـعی می‌کنند با آشـوب آفرینی به اهداف پلید خود برسـند. باید بین این دو دسـته تفاوت قائل شـد. آیه شـریفه فَقتِلوا ائمَّةَ الکُفرِ انَّهُم لا ایمانَ لَهُم (توبه، ۱۲) نیز بر ضـرورت مبارزه جدی با سـردمداران آشـوب تأکید کرده اسـت. با بررسی سیره حضرت علی(ع) نیز تفکیک یاد شده به چشم می‌خورد. تمام تلاش حضرت در سه نبردی که داشت این بود که بین سردمدارن اغتشاش با بدنه آشوب جدایی اندازد. پس از آن که حضرت امام علی (ع) شریعه فرات را از دست اصحاب معاویه گرفت و اجازه اسـتفاده از آب را به دوسـت و دشـمن داد تامدتی دسـت به جنگ نزد و علت این تأخیر را امید به هدایت گول خوردگان لشکر معاویه اعلام کرد و فرمود: به خدا سوگند! حتی یک روز جنگ را به تاخیر نیانداختم مگر آن که امیدوار بودم، عده‌ای از آن‌ها به ما پیوسته و هدایت شـوند و در لابلای تاریکی‌ها پرتوی از نور مرا ببینند و به سـوی من آیند و این برای من از کشـتار آنان در راه گمراهی بهتر است، گرچه در این صورت نیز به جرم گناهانشان گرفتار می‌شوند. (نهج البلاغه، خطبه۵۵)

از این سخن حضرت چند نکته استفاده می‌شود که به موضوع این مقاله مرتبط است:

۱. بین سردمداران آشوب و افراد گول خورده تفاوت وجود دارد.
۲. این تفاوت باعث نمی‌شود که گول خوردگان را آشوب‌گر ندانیم.
۳. برای حاکم اسلامی شایسته است، تمام تلاش خودش را برای تفکیک بین سطوح آشوب‌گران به کار گیرد.
٤. بخش اعظم آشـوبگران به خاطر جهل و جوّگیری در دام آشـوب می‌افتند ولی در روح و جان همه آنها نور ضـعیفی وجود دارد که امکان هدایت آنها وجود دارد.

توبه و اصرار

اگر در بین جامعه اسلامی دو دستگی و نزاع رخ دهد، حاکم اسلامی و مسلمانان وظیفه دارند بین دو گروه متنازع صلح برقرار کنند ولی اگر یکی از دو طرف نزاع به لجاجت ادامه داده و بر باطل اصرار ورزد و از حق رویگردان باشد، باید با او مقابله شود. قرآن کریم در این باره می فرماید: وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتي تَبْغي حَتَّى تَفيءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطينَ (حجرات،۹)

واژه " اقتتلوا" به معنی جنگ است، ولی در اینجا قرائن هر گونه نزاع و درگیری را شامل می‌شود، هر چند به مرحله جنگ و نبرد نیز نرسد.(مکارم شیرازی و دیگران،۱۳۷۴، ج۲۲، ص: ۱۶۷؛ همچنین رک: شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص۳۶۲؛ طوسی، ۱۳۷۸ ه، ج ۷، ص۲۶۵، ابن عربی، بی تا، ج ۴، ص۱۷۱۹) در باره اهل بغی نیز قبل از مقابله و برخورد نظامی با آنها لازم است شبهاتی که موجب بغی آنان شده از ذهن آنان زدوده و از آنها درخواست شود به دامان جامعه اسلامی بازگردند.(طوسی، همان؛ زین الدین مصری، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص۲۳۵)، چنان‌که در جنگ نهروان حضرت علی(ع) پیش از آغاز نبرد، عبدالله بن عباس را برای مذاکره و دعوت آنان به صلح به سوی آنان گسیل داشت.(طوسی، همان؛ شهید ثانی، همان؛ جصاص، بی تا، ج ۳، ص۵۹۸). پس اگر آشوبگران پیش از انجام رفتار مجرمانه بازگشته و توبه کردند، بر حسب قاعده فقهی و ظاهر قرآن کریم، حکومت اسلامی نباید به جرم آشوبگری با آنان برخورد کند. برای این سخن می‌توان به آیه۳۴ سوره مائده و روایات استناد کرد. آیه یاد شده در باره محاربان است. خداوند در آیه ۳۳ مجازات محاربان را بیان می‌کند:« إِنَّمَا جَزَ ؤُاْ الَّذينَ يحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُواْ أَوْ يُصَلَّبُواْ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنفَوْاْ مِنَ الْأَرْضِ ذَالِكَ لَهُمْ خِزْىٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الاَخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ » آیه ۳۴ به حکم کسانی می‌پردازد که پیش از دستگیری توبه کنند:« إِلَّا الَّذِينَ تَابُواْ مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُواْ عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ».

از این آیه استفاده می‌شود که تنها در صورتی مجازات و حد از آنها برداشته می‌شود که پیش از دستگیر شدن به میل و اراده خود از این جنایت صرفنظر کنند و پشیمان گردند- البته توبه آنها سبب نمی‌شود که اگر قتلی از آنها صادر شده یا مالی را به سرقت برده‌اند مجازات آن را نبینند. به عبارت دیگر توبه او تنها تاثیر در ساقط شدن حق اللّه دارد و اما حق الناس بدون رضایت صاحبان حق، ساقط نخواهد شد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج۴، ص: ۳۶۳)

نتایج

۱) برای تفکیک اعتراض و اغتشاش روشهای مختلفی وجود دارد، ولی تفکیک بر اساس روش مشهور ارسطویی، دقیق تر و جامع تر است.

۲) هر حرکت اعتراضی که هدف یا نتیجه آن تضعیف اصل نظام باشد، نکوهیده و قابل بازخواست است.

۳) اخلال به امنیت جامعه و حفظ نظام و اسلحه کشی،دو خط قرمزی هستند که بر اساس آن نیز می‌توان اعتراض و اغتشاش را تفکیک کرد

۴) اعتراض های سازمان یافته ای که از بیرون نظام اسلامی سازماندهی یا خط دهی می‌شوند، در زمره اغتشاش‌هاطبقه بندی می‌شود.

۵) حرکت های اعتراضی که باعث هتک حرمت افراد جامعه یا باورهای دینی شود، نکوهیده است و باید با آن برخورد شود.

۶) صرف مسلمان یا غیر مسلمان بودن هموطنان معترض، تفاوتی در ماهیت رفتار آنان ایجاد نمی‌کند

۷) حکومت وظیفه دارد بین سردمداران اغتشاش با توده ای که آلت دست آنان شده اند تفاوت قائل شود.

۸) یکی از وظایف حاکمان اسلامی، سعی در توبه و بازگشت معترضان و حتی اغتشاش گران و رعایت اصل اولیه رأفت اسلامی است.

فهرست منابع:

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی. (بی‌تا).

ابن أثیر، علی. (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.

ابن ابی‌الحدید. (۱۴۰۴ق). شرح نهج‌البلاغه. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن ادریس حلی، محمد. (بی‌تا). السرائر. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

ابن صباغ مالکی، علی. (۱۳۷۹). الفصول المهمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ. قم: دارالحدیث.

ابن عربی، محمد. (بی‌تا). احکام القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ابن قدامه، احمد. (بی‌تا). المغنی. بیروت: دارالکتب الاسلامیهٔ.

ابن مودود موصلی. (۱۹۳۷م). الاختیار لتعلیل المختار. قاهره: مطبعهٔ الحلبی.

اردبیلی، احمد. (۱۴۱۶ق). مجمع الفائدهٔ والبرهان. قم: انتشارات اسلامی.

ارسطو. (بی‌تا). متافیزیک (شرف‌الدین خراسانی، مترجم). تهران: نشر گفتار. [سال انتشار در منبع ناقص: ۱۳۸]

امام خمینی. (۱۳۸۹ش). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

امام خمینی. (۱۳۹۹ش). موسوعهٔ الامام الخمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.

بدوی، احمدزکی، و دیگران. (بی‌تا). القاموس القانونی: فرنسی ـ عربی. بیروت: مکتبهٔ لبنان.

بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف. بیروت: دارالفکر.

جصاص، احمد. (بی‌تا). احکام القرآن. مکه مکرمه: المکتبة التجاریة.

جمیلی، خالد رشید. (۱۹۷۹). احکام البغاة و المحاربین. بغداد: دارالحریة.

حر عاملی. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: آل‌البیت.

حمیری، ابوعباس عبدالله. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.

دهخدا، علی‌اکبر، و دیگران. (۱۳۷۷ش). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات لغتنامه دهخدا.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیة.

راوندی، سعید. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

زبیدی، محمد. (۱۳۰۶). تاج العروس. بیروت: دار مکتبة الحیاة.

زحیلی، وهبة. (۱۴۱۸ق). الفقه الاسلامی و ادلته. دمشق: دارالفکر.

زین‌الدین مصری. (۱۴۱۸ق). البحر الرائق شرح کنز الدقائق. بیروت: دارالکتب العلمیة.

شکوری، ابوالفضل. (۱۳۷۲ش). فقه سیاسی اسلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

شوکانی، محمد. (۱۴۱۳ق). نیل الاوطار. مصر: انتشارات دارالحدیث.

شهید ثانی، زین‌الدین. (۱۴۱۰ه). الروضة البهیة. قم: انتشارات داوری.

شهید ثانی. (۱۴۱۶ه). مسالک الافهام. قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة.

شیخ طوسی، محمد. (۱۳۷۸ه). المبسوط فی فقه الامامیة. تهران: نشر مرتضویه.

شیخ طوسی، محمد. (۱۳۷۸ه). امالی. قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.

شیخ مفید، محمد. (۱۴۱۶ق). الجمل. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

صادقی فدکی، سید جعفر. (۱۳۸۸). ارتداد: بازگشت به تاریکی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۱۷ق). العروة الوثقی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

طبرسی، فضل بن‌حسن. (۱۴۰۶ه). مجمع البیان. بیروت: دارالمعرفة.

طبری، محمد بن جریر، و ابراهیم، محمد ابوالفضل. (بی‌تا). تاریخ الطبری: تاریخ الامم و الملوک. بیروت، لبنان: مکتبة الاسدی.

طبری، محمد. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.

علامه حلی. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی. تهران: راه رشد.

فاروقی، سلیمان. (۱۴۱۰ق). المعجم القانونی. بیروت: مکتبة لبنان.

فاضل هندی. (۱۴۲۰ه). کشف اللثام. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵. (بی‌تا).

کاتبی، حسین‌قلی. (۱۳۶۳). فرهنگ حقوقی فرانسه ـ فارسی. تهران: گنج دانش.

کاشف‌الغطاء، جعفر. (۱۳۸۰). کشف الغطاء عن مبهمات شریعت الغراء. قم: بوستان کتاب.

کلینی، محمد. (۱۳۶۲ش). کافی. تهران: انتشارات اسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مشکینی، علی. (۱۳۹۳ش). مصطلحات الفقه. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.

مصباح‌الشریعه، منسوب به امام صادق. (۱۳۷۷ش). مصباح الشریعه. تهران: پیام حق.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۶۶). آموزش فلسفه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: کتاب راه نو.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه. قم: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.

میرشکاری، جواد (ویراستار). (بی‌تا). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

نجفی، محمدحسن. (بی‌تا). جواهرالکلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

نهج‌البلاغه. (بی‌تا).

وجدانی فخر، قدرت‌الله. (۱۴۳۱ق). الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة. بیروت: الامیرة للطباعة والنشر.

یاقوتی، محمدمهدی، و فتحی، یونس. (۱۴۰۰). اعتراض مدنی: حدود و قلمرو آن از منظر قوانین. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، (۸).